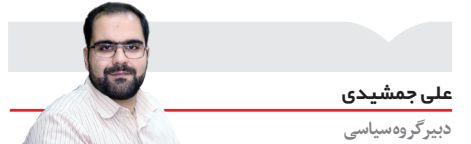


«فرهختگان» فرامتن تصویب پیش نویس قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین در هیات دولت را بررسی کرد

بازگشت به شرق در وقت‌های اضافه



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

ابتدای هفته گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه هیات دولت پیش‌نویس برنامه‌ای برای همکاری ۲۵ ساله میان ایران و چین را به تصویب رسانده و از سوی حسن روحانی، شخص محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه مسئول پیگیری و پیشبرد این برنامه شده است. در جلسه روز دوشنبه، رئیس‌جمهور دستور داد وزارت امور خارجه برگزاری مذاکرات نهایی با طرف چینی را براساس منافع متقابل و بلندمدت پیگیری کند و این برنامه را به امضای طرفین برساند. این اتفاق به‌عنوان یکی از تصمیمات قابل توجه در سیستم فکری و نظری دولت که اساسا طی سال‌های گذشته کار را به غرب مبدع شناسایی می‌شود و البته خیلی‌ها را امیدوار کرده تا در صورت تحقق بتواند به‌عنوان یک عامل موثر بر شکستن تحریم‌ها عمل کند و به‌نوعی قوی‌تر از آن چیزی که میان ایران و ونزوئلا در حال وقوع است، بتواند خنثی و بی‌اعتبارکننده فشار حداکثری باشد. البته اصل چنین خبری نه اکنون که مربوط به حدود ۹ ماه می‌شود، زمانی که پترولیوم اکونومیست وبگاه نه‌چندان معتبر انگلیسی از موافقتنامه‌ای تجاری و ۲۵ ساله میان ایران و چین خبر داده و ذیل آن ذکر کرده بود قرار است طرف چینی در ازای گرفتن امتیازات مهمی، مبلغی حدود ۴۰۰ میلیارد دلاری در بخش انرژی و راه‌سازی ایران سرمایه‌گذاری کند، خبری که آن روزها خیلی جدی گرفته نشد هرچند با تایید و تکذیب‌هایی از جانب طرفین همراه بود.

شهریورماه گذشته پست از انتشار مقاله یادشده در پترولیوم اکونومیست، شیرین هانتر از پژوهشگران مسائل ایران در دانشگاه جورج تاون واشنگتن، طی مقاله‌ای تلاش کرد بدون نام بردن از یک مقام ایرانی، توضیحات و جزئیات ارائه‌شده از جانب وی درخصوص این خبر را رسانه‌ای کند. بر همین اساس هانتر گفته بود چینی‌ها قرار است ۲۸۰ میلیارد دلار در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی و ۱۲۰ میلیارد دلار هم در حوزه جاده و راه‌آهن طی ۲۵ سال آینده در ایران سرمایه‌گذاری کنند. همچنین ایران در ازای این امتیاز حق رجحان در هر قرارداد جدید بزرگ توسعه هر میدان نفتی جدید یا نیمه‌کاره و همچنین کلیه پروژه‌های صنعت پتروشیمی را دریافت کند. البته در آن خبر گفته شده بود قرار است پنج هزار تن از کارکنان امنیتی چین برای حفاظت از کارگران و متخصصان این کشور به ایران بیایند.

فرامتنی که فعلا مهم‌تر است

این خبرها در جریان بود ولی از شهریور گذشته تا به امروز که حدود ۹ ماه از انتشار آن می‌گذرد از طرفین خبری جدی‌تر و

تکمیلی‌تر منتشر نشد و همه چیز مسکوت مانده بود تا همین هفته که پیش‌نویس طرح یادشده در هیات دولت به تصویب رسید. به این مساله البته باید یک نکته دیگر را هم اضافه کرد؛ اینکه محمدجواد ظریف همان سال ۹۸ و در واکنش به این خبر گفته بود صرفا این طرح از طرف ایران پیگیری شده و قرار است در جلساتی با طرف چینی طرح موضوع شده و مذاکرات مربوط به آن صورت پذیرد، چنانکه آن زمان همه این اخبار و واکنش‌ها از جانب مقامات رسمی، کارشناسان و برخی فعالان اقتصادی در تهران بیان شد و کمتر خبری از پکن درباره این اتفاق در رسانه‌ها به انتشار رسید که البته دلایل خاصی خود را دارد که در ادامه توضیح خواهیم داد.

از آنجایی که مفهوم قراردادی ۲۵ ساله و رقمی معادل ۴۰۰ میلیارد دلار برای چین و بیشتر از آن برای ایران و حتی منطقه غرب آسیا بسیار مهم و قابل توجه است هربار که این موضوع به‌گونه‌ای رسانه‌ای شده، خیلی‌ها تلاش کردند به ارزیابی آن بپردازند و نتایج آن را بسنجند. البته این واکنش‌ها طبیعی است ولی آنچه مهم‌تر از جزئیات این ماجراست، پیش‌زمینه‌های لازم برای شکل گرفتن توافقی با ابعاد یادشده است، چیزی که به‌نظر می‌رسد فعلا فراهم نیست چراکه شکل‌گیری بستری مساعد برای اینکه چنین قرارداد مهمی میان تهران و پکن اولاً روی کاغذ بیاید و ثانیاً روی زمین عملیاتی شود، متفاوت از آن چیزی است که امروز برخی از رسانه‌ها مطرح می‌کنند، به‌عبارتی این موضوع فرامتنی دارد که ابتدا باید مورد بررسی قرار گیرد و بعداً با دقت‌زدگی یا با نگاهی منتقدانه به جزئیات پرداخته شود.

روابط گذشته ایران و چین

چینی‌ها در دهه گذشته همواره روابط قابل توجه و پرجمعی با ایران داشته‌اند، البته برحجم در قیاس با حجم اقتصاد ایران نه بزرگی اقتصاد چین. این همکاری البته وقتی بیشتر به چشم آمده و مورد بحث قرار گرفته که ایران در دوران تحریم به‌سر می‌برده و داشتن ارتباط با پکن مخصوصاً فروش نفت خام و واردات مواد اولیه ارزشمندتر از هر زمان دیگری به تهران کمک کرده تا از تحریم‌ها عبور کند. این راه‌هم در دوران تحریم‌های سال ۹۰ تا ۹۲ به‌خوبی دیدند. همین مساله هم باعث شده خیلی‌ها بگویند روابط ایران و چین روابطی استراتژیک است و حداقل برای ایران ارزشی فراتر از یک مرادود یا تجارت خارجی دارد. مشخصاً زمانی که روابط تجاری ایران با روابط سیاسی پیوند می‌خورد و بعضاً به یک همکاری در برخی سازمان‌های بین‌المللی می‌انجامد مثل آن چیزی که هفته گذشته در جریان برگزاری نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روی داد، روابط دوجانبه تهران-پکن قابل توجه‌تر از روابط ایران با دیگر کشورهای جهان می‌شود. در عین حال اما این کیفیت به‌معنای همیشگی بودن رابطه، استحکام و روبه‌رشد



باشند؛ پروژه‌های مهم و اساسی که به‌واقع طرف مقابل گمان نکنند درگیر مجموعه‌ای از کارهای سطحی و زودگذر شده است. برای مثال چینی‌ها پروژه «یک کمربند، یک جاده» را در دست دارند و با پاکستانی‌ها مسیر ترانزیتی بسیار ارزشمند و پرهزینه‌ای را برای اتصال استان سین کیانگ به آب‌های آزاد تعریف کرده‌اند. آنها با قراردادهای سنگین امیدوارند بتوانند به‌راحتی خود را از مسیر خشکی به غرب وصل کنند و انتصابات زیادی را هم محض اطمینان به جنوب و آب‌های آزاد داشته باشند. علاوه‌بر این برای ما هم خطوط ترانزیت و حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای به‌اضافه خطوط انتقال نفت و گاز به‌صورت شرقی-غربی قابل توجه و دارای ارزش بالایی است و از این‌رو به‌نظر می‌رسد که اگر در چنین مسیرهایی حرکت شود زودتر موفقیت حاصل خواهد شد. به‌صورت مشخص اگر ایران بتواند پروژه انتقال انرژی از گوره به جاسک و سپس به گوادر را تکمیل کند، یکی از بزرگ‌ترین مسیرهای ضدتحریم فعال خواهد شد و بخش مهمی از مشکلات درآمدی کشور مرتفع می‌شود. علاوه‌بر اینکه چینی‌ها از نظر امنیت اقتصادی بیشتر از هر زمان دیگری به ایران وابسته می‌شوند و این در روابط سیاسی اهمیت و کارکرد ویژه‌ای دارد.

چه باید کرد

از این‌رو با توصیفات یادشده باید گفت رسیدن به یک توافق ۲۵ ساله با ارزش ۴۰۰ میلیارد دلاری اساسا نیازمند تغییرات مهمی دولت است، به این صورت که چینی‌ها یا نمایندگان هر کشور دیگری که قرار است با ممکن است طرف حساب ما باشند، هم از لحاظ نظری و هم در عمل بدانند ما در تهران و دیگر شهرهای کشور آمادگی همکاری تمام‌قد برای عبور از وضعیت کنونی را داریم و نیست مانند ادوار گذشته به‌صورت زیگرآگی، کم‌رقم و به‌عنوان یک مساله دست‌چندمی با آن برخورد شود. برای چنین اتفاقی البته باید در دولت و مهره‌های اصلی آن تغییرات ویژه‌ای صورت بگیرد، یا فردی در خارج از دولت مسئول پیگیری و انجام این کار شود یا نهایتاً در انتظار بمانیم تا دولت تغییر کند و فضا برای کار مهیا و فراهم آید.

مدیریتی و کارشناسی برخی وزارتخانه‌های کشور است. آنها در این سال‌ها دیده‌اند که حتی با وجود موافقت‌های اولیه و امضای برخی قراردادهای، موعد اجرا که فرامی‌رسد در تهران کار گره خورده و پیش نمی‌رود از این‌رو آنها تا زمانی که مطمئن نشوند در ایران مجریان مصممی در حال فعالیت‌اند آماده همکاری جدی نخواهند شد.

بازگشت دیر هنگام با مشکلات مضاعف

اینکه اکنون و پس از مدت‌ها تلاش برای مذاکره با آمریکا، رفع تحریم و ماه‌ها امیدواری به راه‌اندازی اینستکس و... از جانب کشورهای اروپایی، پیش‌نویسی در هیات دولت مصوب شود و محمدجواد ظریف کسی که سابقه مشخص و ایده‌های معلومی در عرصه سیاست خارجی دارد، مسئول پیگیری این قرارداد بلندمدت شود هرچند شاید گویای این باشد که دولت از مسیر قبلی خود ناامید شده و حالا پس از گذشت هفت سال تلاش می‌کند دیگر مسیرها را هم امتحان کند تا شاید توان مضاعفی برای عبور از وضعیت کنونی به دست آورد، اما واقعیت این است که امروز قدری برای چنین کاری دیر شده است. هر کارشناس و ناظری البته می‌تواند به‌مهم‌بودن اقدام دولت دوازدهم پی ببرد اما در سال هفتم و یک‌سال مانده به پایان دوره ریاست‌جمهوری علاوه‌بر اینکه قدری زمان دیر شده، اقدام مهم و قابل توجهی هم برای اعتمادسازی انجام نشده است لذا در یک‌سال پایانی خیلی‌ها می‌دانند که نمی‌توان اقدام و کار مهم و اساسی انجام داد و امیدوار بود که ظرف چندماه به تحول ویژه‌ای دست یافت. علاوه‌بر این البته نکته دیگری هم مفروض است که آن هم شرایط امروز دولت است. حسن روحانی هم به‌لحاظ اقتصادی و مدیریتی و هم به‌لحاظ بدنه اجتماعی امروز در شرایط نه‌چندان سسامانی قرار گرفته و لذا طرف‌های خارجی آنچنان نمی‌توانند امیدوار باشند که با وجود همکاری و همیاری این اتفاقات به نتیجه برسند. نکته آخر اما ماهیت توافقات و پروژه‌هایی است که چینی‌ها می‌توانند در ایران اجرا کنند، در واقع زمانی می‌توان به شکل‌گیری یک توافق امیدوار بود که پروژه‌های انتخاب‌شده، پروژه‌هایی سودآور و تامین‌کننده منافع ملی هر دو کشور

بودن آن نیست، برعکس تجربه نشان داده که بعضاً حتی بیشتر مربوط به مقاطع خاصی است.

روحانی با روابط تهران-پکن چه کرد؟

با چند توضیح کوتاه مساله بیشتر روشن می‌شود. قدری به عقب برگردیم و از سال ۱۳۹۲ روابط دو کشور را مجدداً بررسی کنیم. با پیروزی حسن روحانی و تشکیل کابینه دولت یازدهم سردی قابل توجهی بر روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور حاکم شد. پاستورنشینان از آنجایی که می‌خواستند اعتماد طرف‌های غربی را جلب کنند و البته امید زیادی هم به آن طرف میز مذاکرات داشتند، بخش عمده‌ای از همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با طرف چینی را متوقف کردند و منتظر ماندند اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها جایگزین آنها شوند. در آن روزها حسن روحانی با این عبارت که ما برای کارگران چینی شغل ایجاد کرده‌ایم و زنگنه با این استدلال که قراردادهای جدید با همان IPC باید جایگزین مدل قبلی شود، بسیاری از مسیرهای همکاری ایران با چین از جمله حضور آنها در میادین نفتی آزادگان شمالی و فاز دوم میدان یادآوران را مسدود و امکان همکاری با این شریک قدیمی را محدود کردند؛ اتفاقاتی که نقش به‌سزایی در دل‌سردی چینی‌ها از تداوم همکاری با تهران داشت.

این البته همه ماجرا نیست چرا که مدتی بعد اتفاقات دیگری هم رخ داد که شرایط را بدتر کرد. بعد از امضای برجام و زمانی که کشورها امیدوار بودند بتوانند با ایران همکاری‌های موقتی را آغاز کنند، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین از جمله اولین افرادی بود که عازم تهران شد تا مذاکرات مهمی را با مقامات ایرانی داشته باشند. در این سفر دوره‌به‌پس از آنکه در روز اول مذاکرات مهمی آغاز شد، ناگهان مقامات بلندپایه ایران سرگرم تدارک سفر به اروپا شدند و رئیس‌جمهور چین با دل‌خوری تهران را ترک کرد، همان هم باعث شد روابط سردتر شود و حتی کار به‌جایی برسد که سه‌سال بعد و در زمستان ۹۷ که ایران وارد میدان مقابله با فشار حداکثری شده بود، به‌جای حسن روحانی، علی‌لازرجانی در راس هیاتی از کابینه دولت عازم پکن شد تا شاید مشکلات قدری مرتفع شود. سومین توضیح در این زمینه شناخت خوب چینی‌ها از بدنه

سفیر اسبق ایران در چین در گفت‌وگو با «فرهختگان»:

دولت به امید برجام توافق با چین را نادیده گرفت

نوسانات سیاست خارجی را کنترل کنیم امکان همکاری با چین فراهم می‌شود

به‌نظر شما روابط دولت روحانی با چین جقدر روی این توافق اثرگذار است؟

به‌طور کلی نظام جمهوری اسلامی ایران نشان داده دارای یک ثبات فکری منظم از ابتدای انقلاب تا کنون نبوده است؛ کشورهای با حساب و کتاب اگر بخواهند با ما ارتباط داشته باشند باید مفروضاتی را در نظر بگیرند اما فکر می‌کنم در زمان آقای روحانی این مفروضات کمتر مورد توجه بود به‌رغم اینکه شرایط بحرانی‌تر بوده است.

اگر با برخی مسئولان صحبت کنید می‌گویند در پنج‌سال گذشته بیش از ۱۰ بار به چین رفته‌اند اما اکنون ما به‌طور مثال ۳۰۰ بار به چین رفتیم در حالی که بحث ما سفر به چین نیست بلکه بحث این است که باید چارچوبی را مورد توجه قرار دهیم که از اصالت برخوردار باشد و در عین حال به نوسانات ارزی، جوی و سمای مربوط نباشد.

نوسان دولت روحانی در ارتباط با چین بیشتر از سایر دولت‌ها بود

با این تفاسیر ارزیابی شما از نوع عملکرد دولت روحانی با دولت چین چیست؟

به‌نظر بنده همه دولت‌ها بی‌ثبات بودند اما نوسان این دولت بیشتر بود. دولت احمدی‌نژاد هم همین وضعیت را داشت. هیچ تفکر درستی در این روابط نبوده است. البته تنها بحث دولت‌ها نیست، چرا که بخش روشنفکری، فرهیخته و دانشگاهی ما تحلیل درستی از سیاست جهانی و اینکه در چه نقطه‌ای از جهان قرار داریم و چه سیاستی را باید در نظر داشته باشیم، ندارد.

سختگوی وزارت بهداشت انتقادی را از دولت چین مطرح کرد اما شاهد بودیم روزنامه‌نگاران ما که نماینده منافع ملی کشور هستند به‌صورت دوقطبی به موافق و مخالف تقسیم شدند، لذا این نشان می‌دهد جامعه بلوغ کافی را ندارد.

با این تفاسیر طرف چینی جقدر ریسک همکاری این توافق را می‌پذیرد؟

طبق این نوع رفتار متغیر دولت‌ها طرف چینی نیز در موضع محافظه کارانه قرار می‌گیرد، از این‌رو باید روی حداقل‌ها با آنها کار کنید که صدمه نینبند، چرا که اگر آنها ببینند چه اتفاقی می‌افتد ریسک‌های بالا را نمی‌پذیرند. البته آنها ریسک بسیار بالا با پاکستان را پذیرفتند در حالی که پاکستان جامعه عقب‌افتاده‌تری از ماست اما چون در بخش

چارچوب این توافق مبتنی بر چه اصول و جزئیاتی است؟

این که دو طرف سطح نظام‌های بین‌المللی را بطور می‌بینند، بطور با هم هماهنگ می‌شوند، چه اصولی باید بر آن حاکم باشد، منافع دو کشور بطور تعریف و تأمین می‌شود و چه مواردی باعث حساسیت دو کشور است و باید از آن پرهیز شود به‌عنوان چارچوب توافق مطرح است.

درخصوص بحث استفاده از دلار یا یوان و موضوع نفت و گاز در این طرح چه توافقاتی مدنظر است؟

قضیه استفاده از یوان (واحد پول چین) در روابط دوجانبه یعنی ارزی متقابل در روابط دوجانبه به قبل از این جریان بازمی‌گردد، سازمان برنامه و بودجه، برنامه‌ای را مورد توجه قرار داد که از نوسانات دلار جلوگیری کند، از این‌رو قرار شد از راه‌های محلی در روابط با کشورهای که بیشترین تجارت را با آنها داریم مورد استفاده قرار گیرد. این از قبل هم بوده و ربطی به این توافق ندارد؛ البته در این توافق به این نکته توجه شده است، چرا که دلار برای ما، چینی‌ها، روس‌ها و هم برای پاکستان و عراق در دسترس است و از این جهت ترجیح این است در کشورهای که معاملات خوبی با هم دارند و این معاملات سطح مناسبی نیز دارد، به این نکته توجه شود.

آزوده ایران در سطح بین‌المللی نفت است درباره بحث خرید نفت و سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز چه پیشنهادهایی در توافق ایران و چین خواهد شد؟

آزوده ایران در سطح بین‌المللی چیزی جز نفت نیست؛ آزوده ایران در سطح بین‌المللی تولید حدود ۵ میلیون بشکه نفت است و هنوز نتوانسته‌ایم کشور خود را از کشور سکوهای نفتی خارج کنیم.

اینکه می‌گوییم ۶۰-۷۰ درصد از بودجه‌های کشور از نفت است، یعنی آنچه داریم نفت است و کالاهایی همچون فرش، پسته، گلیم و... در رده‌های آخر قرار می‌گیرند. ما کشور تولیدکننده مواد دارویی یا کشور ماشین‌سازی همانند آلمان یا کشور تولیدکننده نرم‌افزار در جهان همانند هند می‌توانیم در جهان عرضه کنیم، نفت است.

گفت‌وگو

مریم عاقلی

روزنامه‌نگار

پیش‌نویس برنامه ۲۵ ساله همکاری میان ایران و چین این هفته به تصویب هیات دولت رسید و حسن روحانی، وزیر امور خارجه کشورمان را مأمور پیشبرد این برنامه کرد، طبق این طرح به وزارت امور خارجه مأموریت داده شد طی مذاکرات نهایی با طرف چینی، براساس منافع متقابل بلندمدت، این برنامه را به امضای طرفین برساند.

تاکنون جزئیاتی از توافق جامع ایران و چین منتشر نشده، اما گفته می‌شود مذاکرات مقدماتی در جریان سفر سال ۹۷ هیاتی بلندپایه از ایران با حضور علی‌لازرجانی، محمدجواد ظریف، وزیر نفت و رئیس کل بانک مرکزی انجام شده بود.

تازماری پترولیوم اکونومیست چندماه بعد مدعی شد در سفر وزیر امور خارجه ایران، تهران و پکن توافقی را که در سال ۲۰۱۶ به‌نام «مشارکت جامع استراتژیک چین و ایران» با رقم ۴۰۰ میلیارد دلار امضا کرده بودند، توسعه داده و بندهای غیرعلنی به آن افزوده‌اند.

در رابطه با برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های ایران و چین چند نکته قابل ذکر است از جمله اینکه هنوز جزئیات پیش‌نویس این سند منتشر نشده و هنوز مشخص نیست چینی‌ها چه زمانی این سند را تصویب خواهند کرد و به همین جهت چشم‌انداز اجرایی آن مشخص نیست.

«فرهختگان» در گفت‌وگوی مشروح با سیدمحمدحسین ملانک، سفیر اسبق ایران در چین به تشریح ابعاد این توافق پرداخته است که در ادامه می‌آید.

III

با توجه به مطرح شدن توافق ۲۵ ساله با چین تحلیل شما از این توافق و جزئیات احتمالی آن چیست؟ به‌نظر شما در این پروژه چه پیشنهادهایی از سوی ایران مطرح شود، با همراهی طرف چینی مواجه خواهیم شد؟

در سال ۲۰۱۵ وقتی رئیس‌جمهور چین به ایران آمد، پیشنهاد شد چارچوب روابط تعریف شود و براساس آن چارچوب روابط دو کشور شکل و شمبیلی پیدا کند. دولت آن زمان متأسفانه چون احساس کرد گشایش‌های زیادی بعد از برجام به دست می‌آورد به این پیشنهاد توجه نکرد اما وقتی محدودیت‌های بین‌المللی مجدداً شروع شد و دولت جمهوری اسلامی فهمید نمی‌تواند پیشنهاد‌های بین‌المللی را به‌راحتی نادیده بگیرد، دوباره به‌سراغ این توافق رفت.

بنابراین براساس صحبت‌هایی که رئیس‌جمهور چین در آن زمان مطرح کرده بود، طرح جدیدی مطرح شد که سال گذشته آقای ظریف به پکن رفت و پیشنهاد جدید ایران را که کمی تغییر کرده و مطالب مربوط به ایران به آن اضافه شده بود، ارائه کرد. این اقدام در حالی بود که ایران می‌توانست این پیشنهاد را همان زمان بپذیرد.



الیت و نخبگانجامه پاکستان نظریه کم‌بیش واحدی حاکم است، آنها فهمیده‌اند منافع ملی شان چیست و چه کاری باید انجام دهند.

با توجه به اینکه تحت فشار شدید تحریمی آمریکاهستیم، ممکن است این امر بتواند بستری برای دور زدن تحریم تلقی شود؟

خیر؛ این توافق ربطی به تحریم‌ها ندارد، چرا که چین تقریباً همه تحریم‌ها را اعمال می‌کند.

بله، درست است چین به تمام تحریم‌ها تن داده اما این توافق به‌نوعی نقض کننده شاکله تحریم آمریکاهمانند فرستادن نفتکش‌ها به ونزوئلاست.

به‌رحال اگر آنها اصولی در روابط پیدا کنند و بدانند ۱۰ سال رابطه‌ای با نوسان دو سه درصد خواهیم داشت، ممکن است کارهایی را انجام دهند و در واقع احتمال کمک کردن وجود دارد.